



جلوه‌گری مدرسه در ساحت تربیت اقتصادی



● فریبا خانی نژاد

دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی
معاون پرورشی، لاهیجان

مدرسه به‌عنوان نهادی اجتماعی، فراتر از نقش سنتی انتقال دانش، کارکردهای اقتصادی حیاتی در آماده‌سازی نسل آینده برای مشارکت مؤثر در نظام اقتصادی دارد. مدرسه‌ها با ایفای این نقش‌ها، نه تنها پایه‌های توسعه پایدار ملی را تقویت می‌کنند، بلکه مسیر دستیابی فرد به استقلال مالی را هموار می‌کنند. مدرسه‌ها با یکپارچه‌کردن مهارت‌های حرفه‌ای در برنامه‌های درسی، دانش‌آموزان را برای ورود به بازار کار آماده می‌کنند. براساس سند تحول آموزش و پرورش، دانش‌آموزان باید «دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال» باشند تا در صورت جدایی از نظام رسمی آموزش، توانایی اداره زندگی خود را داشته باشند. تربیت اقتصادی به‌عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین، ترکیبی از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اقتصادی است که بر تصمیم‌گیری‌های مالی افراد تأثیر می‌گذارد. این ساحت آموزشی بر مؤلفه‌های اخلاق اقتصادی، مصرف مسئولانه و سواد مالی تأکید دارد.

طرح مسئله

در طول سال‌های تدریس، با مسئله پایین‌بودن سواد اقتصادی دانش‌آموزان و اولیا مواجه‌بودم. اکثر آن‌ها توانایی کسب درآمد خوب را نداشتند. همچنین، در ایجاد تعادل در دخل و خرج خود مهارت کافی نداشتند و در برخورد با مسائل اقتصادی قادر به برطرف کردن نیازشان نبودند. در محاسبه‌های ریاضی و اقتصادی و مفهوم بودجه و دخل و خرج بسیار ضعیف بودند. همین موضوع باعث شده بود از نظر اقتصادی ضعیف شوند و احساس حقارت کنند و در انجام فعالیت‌های یادگیری نیز عملکرد خوبی نداشته باشند. به همین خاطر، آسیب‌های اجتماعی بسیاری ایشان را تهدید می‌کرد. با خود اندیشیدم که چگونه می‌توانم مهارت‌های کسب درآمد حلال و سواد اقتصادی را در دانش‌آموزانم افزایش دهم؟ لذا تلاش کردم در متن یک تجربه، سواد اقتصادی دانش‌آموزان و خانواده‌ها را افزایش دهم (هدف اولیه) تا بتوانند از طریق یادگیری مهارت‌های کسب درآمد و تنظیم دخل و خرج، نیازهای خود را رفع کنند (هدف میانی) و در برخورد با مسائل جامعه در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی عزت‌نفس بالا و مشارکت فعال داشته‌باشند و چالش‌های اجتماع را با هم‌اندیشی با دیگران به همراه باهم‌زیستن، که یکی از اصول یادگیری است، برطرف کنند و در ساختن جامعه‌ای سالم، پویا و شاداب در اعتلای کشور عزیزمان نقش بسزایی داشته‌باشند (هدف نهایی).

توصیف تجربه

هر سال با آغاز سال تحصیلی، ابتدا استعدادهای دانش‌آموزان و اولیا و معلمان را شناسایی می‌کنم. بازبینی‌های (چک‌لیستی) در این خصوص آماده می‌کنم و بر طبق آن کلاس‌هایی مانند تسمه‌بافی، مکرومه‌بافی، سیدبافی، ساخت دستبند و زیورات، و پرورش قارچ برای دانش‌آموزان و اولیا برگزار می‌کنم. برای برگزاری این کلاس‌ها از ظرفیت انجمن اولیای مدرسه و ظرفیت کانون فرهنگی تربیتی الزهرا نیز استفاده می‌کنم. دانش‌آموزان نیز با شور و شوق فراوان در کلاس‌ها شرکت می‌کنند و از اینکه می‌توانند محصولی تولید کنند، احساس ارزشمندی می‌کنند.

تربیت اقتصادی: از نظر تا عمل

براساس ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین، تربیت اقتصادی ترکیبی از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اقتصادی است که بر تصمیم‌گیری‌های مالی افراد تأثیر می‌گذارد. به‌منظور تقویت ساحت اقتصادی، در مراسم صبحگاه، در مورد تربیت اقتصادی، صباغت، پرهیز از اسراف (که از دستوره‌های دینی ما مسلمانان است)، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، عدالت و انصاف در معامله و مدیریت هزینه‌درآمد صحبت و از آن‌ها نظرخواهی می‌کردم. از دانش‌آموزانی که در زمینه پس‌انداز کردن یا کمک مالی به خانواده تجربه‌ای داشتند، می‌خواستم تجربه و احساسشان را برای دوستانشان بیان کنند. گاهی اوقات از کارشناسان نیز استفاده می‌کردم. برای اینکه تربیت اقتصادی در کلاس‌ها آموزش داده شود، در جلسه شورای معلمان از همکاران خواستم در کلاس‌ها در مورد سواد اقتصادی صحبت کنند و در زنگ هنر هنرهایی را آموزش دهند که به کسب درآمد بینجامد.

همچنین در جلسه تصویب شد در هر فصل از سال، در مدرسه بازارچه کسب و کار برگزار شود. برای اینکه دانش‌آموزان در بازارچه اخلاق اقتصادی را رعایت کنند، از همکاران خواستم التزام به عدالت و انصاف و صداقت در معامله را یادآوری کنند. در ضمن، زمینه‌محور بودن (تماتیک) مفاهیم نیز از ضرورت‌هایی بود که در آموزش‌ها رعایت می‌شد.

با تشکیل بازارچه،
دانش‌آموزان آنچه
را در کلاس‌های
درس آموخته
بودند، به معرض
نمایش گذاشتند





مفاهیمی مانند چهار عمل اصلی ریاضی، کاربرد جمع و تفریق و ضرب و تقسیم در بازارچه کسب و کار بسیار مفید بود، زیرا یادگیری را تثبیت و تعمیق می‌کرد. همچنین از همکاران خواستیم در سواد مالی بر آموزش مفاهیمی چون پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مدیریت هزینه و درآمد نیز تأکید کنند، زیرا مشکل برخی خانواده‌ها نداشتن درآمد نبود، بلکه نداشتن سواد مالی بود که در کتاب‌های ابتدایی نیز به آن پرداخته شد.

با تشکیل بازارچه، دانش‌آموزان آنچه را در کلاس‌های درس آموخته بودند، به معرض نمایش گذاشتند. این جریان نمود جالبی از رویکرد زمینه‌محور در مدرسه بود. اولیا نیز برای خرید به بازارچه آمدند. در آخر نیز دانش‌آموزان شروع کردند به شمارش پول‌هایشان و سود و زیان کسب و کار خود را محاسبه کردند.

مشاوران به‌عنوان عوامل تحول در کارکرد اقتصادی مدرسه، وظایفی حیاتی مانند هدایت شغلی (شناسایی استعدادها، دانش‌آموزان و همسوسازی آن‌ها با مشاغل نوظهور فناوری‌های دیجیتال و اقتصاد دانش‌بنیان)؛ آموزش عملی (برگزاری کارگاه‌های مدیریت مالی و کارآفرینی)؛ فرهنگ‌سازی (دعوت از کارآفرینان و مدیران شرکت‌ها برای الهام‌بخشی به دانش‌آموزان) را برعهده دارند. مشاورانی که از روش‌های غیرسنتی (به‌جای پند و موعظه) استفاده می‌کنند، در تغییر نگرش دانش‌آموزان موفق‌ترند. به همین منظور، از مشاور مدرسه که هفته‌ای یک روز در مدرسه حضور داشت، خواستیم برای مدیریت مالی و اقتصادی و همچنین معرفی مشاغل، در کلاس‌ها برای دانش‌آموزان، و در جلسه‌های آموزش خانواده، برای اولیا کارگاه‌هایی برگزار کند. به مناسبت هفته مشاغل نیز نمایشگاهی به همین مناسبت از دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان در راهروی مدرسه برگزار شد.

با پیوند زدن مطالب آموزشی و اقتصادی مطرح شده در مدرسه با زندگی واقعی دانش‌آموزان، یادگیری عمیق و ماندگار در فراگیرندگان تقویت شد

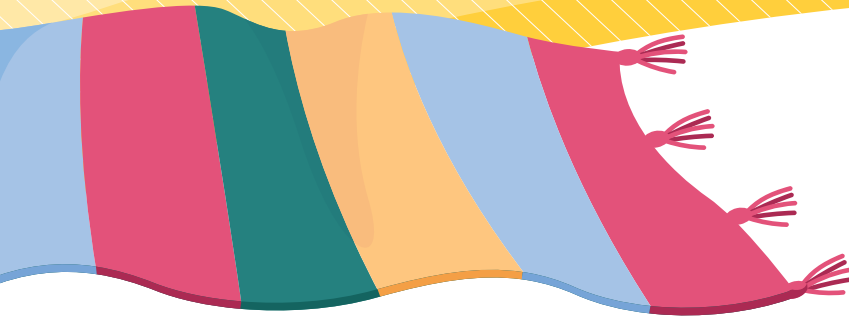
اقتصاد مقاومتی: الگویی بومی برای تاب‌آوری اقتصادی

با ترویج الگوی اقتصاد مقاومتی، دانش‌آموزان را به سمت مشارکت در توسعه ملی سوق دادیم. مؤلفه‌های کلیدی این الگو عبارت بودند از: کارآفرینی و خلق ارزش، صرفه‌جویی در مصرف منابع انرژی، توجه به تولید داخلی و دوری از مصرف‌گرایی. با تهیه جدول کاهش مصرف انرژی، از دانش‌آموزان خواستیم برنامه صرفه‌جویی انرژی در خانه و کلاس خود را یادداشت کنند. همچنین قبض دو دوره برق و گاز و آب منزلشان را به مدرسه بیاورند تا اگر مصرفشان کمتر شده بود، از خانم مدیر نشان انرژی‌یار و جایزه دریافت کنند. به این ترتیب دانش‌آموزان هم در توسعه ملی کشور سهیم می‌شدند و هم احساس ارزشمندی می‌کردند.

تحقق شاخص‌های مدرسه مطلوب

این تجربه با توجه به اقتضات بومی استان گیلان و شهرستان لاهیجان، با به کارگیری ظرفیت جامعه روستای بوجایه شهرستان لاهیجان انجام شد. در اجرای آن از ظرفیت شورای اسلامی و دهیار و امام جماعت مسجد محل که





بیان نتایج

این تجربه به خوبی نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های کسب و کار و افزایش سواد اقتصادی می‌تواند از طریق فعالیت‌های فرهنگی و هنری و برگزاری بازارچه و نمایشگاه به دانش‌آموزان کمک کند به حل مسائل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بپردازند و روحیه همکاری و همیاری با خانواده را در خود تقویت کنند. در نهایت، این فعالیت‌ها بر اعتمادبه‌نفس و توانمندی‌های فردی دانش‌آموزان می‌افزایند. محیط آموزشی مناسب نیز انگیزه و اشتیاق یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند. فضاهای پویا و زنده مانند بازارچه و نمایشگاه دست‌سازهای دانش‌آموزان که برای تعاملات اجتماعی طراحی شده‌اند، می‌توانند دانش‌آموزان را به همکاری و یادگیری تشویق کنند.

آموزش مهارت‌های اقتصادی به دانش‌آموزان، در بهبود روابط بین‌فردی و ایجاد مسئولیت‌پذیری در محیط آموزشی نقش مهمی دارد. توسعه این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای آینده خود موفق‌تر باشند. مسئولیت‌پذیری و مشارکت در تربیت اقتصادی می‌تواند به شناسایی و حل مشکلات موجود در محیط مدرسه کمک کند. در نهایت، این رویکرد نه تنها کیفیت آموزشی را بهبود می‌بخشد، بلکه زمینه‌ساز رشد اقتصادی دانش‌آموزان نیز خواهد شد. استفاده از پشتوانه دینی بر اساس ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین، علاوه بر افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان، خلایق و نوآوری و یادگیری کارگروهی را تقویت می‌کند. همچنین تأثیر شرکت معلمان در کارگاه‌های آموزش مهارت‌های اقتصادی و آشنایی با رویکردهای نوین تدریس در بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان کاملاً واضح است.

فضاهای پویا و زنده مانند بازارچه و نمایشگاه دست‌سازهای دانش‌آموزان که برای تعاملات اجتماعی طراحی شده‌اند، می‌توانند دانش‌آموزان را به همکاری و یادگیری تشویق کنند

اعضای مهم جامعه مدرسه بودند استفاده شد و این دید مثبت و افزایش همدلی و همکاری نسبت به فعالیت‌های مدرسه را در پی داشت. استفاده از ظرفیت اولیا در تصمیم‌گیری‌های مدرسه در قالب انجمن اولیا به همکاری و نظارت اولیا و همراهی ایشان در تحقق هر چه بهتر هدف‌ها منجر شد. همچنین، استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان با توجه به تفاوت‌های فردی، به صورت انجام کارهای گروهی، بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان افزود. مطرح‌شده در مدرسه با زندگی واقعی دانش‌آموزان، یادگیری عمیق و ماندگار در فراگیرندگان تقویت شد. با به کارگیری آموزش‌های تلفیقی با توجه به حوزه‌های متنوع دوره ابتدایی و صرفه‌جویی در وقت و انرژی، و با توجه به هویت دوره تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، کمک در توسعه اقتصادی کشور و انجام فعالیت‌های اقتصادی برای فراگیرندگان جذاب‌تر شد. همچنین با توجه به کمبود وقت نسبت به حجم محتوای کتاب‌های درسی از ساعت‌های فراغت دانش‌آموزان در محیط‌هایی مانند کانون فرهنگی تربیتی الزهرا (س) و بازارچه کسب و کار مدرسه استفاده شد.